

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه جلسه گذشته

بیان نمودیم قبل از ورود به بحث مناسب است نکاتی را ذکر کنیم؛ یکی از نکات که در جلسه گذشته به عرض رسید، عدم درستی این مطلب بود - و مشهور در السنه‌ی فقهاست - که شارع متعال در باب ربا یا سیره‌ی عقلائیه مخالفت کرده است؛ بلکه مسئله قبح و حرمت ربا، علاوه بر اینکه در همه شرایع و ادیان گذشته بوده، در بسیاری از قوانین عقلائیه در طول تاریخ در کشورها مطرح بوده و عقلاء اگر بر ربا اقدام می‌کنند، من حیث انهم عقلاء اقدام نمی‌کنند؛ بلکه من حیث انهم یریدون ثروة، یریدون تکاثر و حریصون علی المال اقدام می‌کنند؛ و این غیر از سیره عقلائیه است.

شاهد عرض ما این است که حرمت ربا هم در قرآن و هم در روایات معلّل شده - حال، یا بگوئیم به عنوان علت و یا به عنوان حکمت - به اینکه ربا ظلم است؛ «لأنّه ظلم». این استدلال به حسب السنه‌ی بزرگان، استدلال به یک تعلیل ارتکازی است. توضیح آنکه ما دو نوع تعلیل داریم؛ یک تعلیل تعبّدی داریم که شارع خود بیان می‌کند؛ و یک تعلیل هم تعبّدی نیست و بلکه ارتکاز عقلائی است. در ما نحن فیه شارع بیان می‌کند حقیقت ربا ظلم است؛ قبح ظلم نیز یک قاعده‌ی اولیه‌ی عقلائیه است، «العدل حسن و الظلم قبیح»، و هیچ عاقلی در میان عقلاء نیست که حتی در یک مورد بگوید ظلم خوب و صحیح است. تعلیل ارتکازی عقلائی کاشف از این است که خود این مطلب هم نزد عقلاء موجود است. این مطلب را به عنوان مؤید بر عرضمان آوردیم و یک نکته اجتهادی بسیار مهمی است و در بسیاری از موارد قابل استفاده است.

مقدمه دوم: آیا هر معامله‌ای باید تحت یکی از عناوین معاملیه باشد؟

مطلب دوم که به عنوان مقدمه می‌خواهم عرض کنم این است که در باب معاملات، بین فقها این بحث معروف است که آیا هر معامله‌ای باید تحت یکی از عناوین متعارفه‌ی معاملیه دربیاید و اینکه معامله یا باید مصداق برای بیع باشد، یا مصداق برای اجاره باشد، یا مصداق برای مضاربه باشد و یا مصداق برای مساقاة باشد؛ اینجا دو نظریه وجود دارد: یک نظریه که قدما بیشتر همین نظریه را داشتند این است که بله، معامله‌ی صحیح‌ه‌ی شرعیه آن است که تحت یکی از این عقود و عناوین درآید؛ و نظر دوم این است که نه، لزومی ندارد بگوئیم معامله باید تحت یکی از این عناوین داخل شود؛ اگر بر معامله‌ای صدق عقد شد، هرچند که تحت یکی از این عناوین نباشد، اما تحت عنوان «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» قرار می‌گیرد و از این راه صحیح می‌شود؛ مثلاً در بحث بیمه که در این چند دهه اخیر مطرح شده، بزرگان می‌گویند بیمه یک نوع عقد است و «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» شامل آن می‌شود.

اما نکته‌ی اضافه‌ای که می‌خواهیم عرض کنیم، این است که از این هم می‌شود یک قدم بالاتر رفت و آن اینکه می‌توانیم ادعا کنیم

در باب معاملات حتی لازم نیست صدق عقد هم بر آن بشود تا تحت عنوان «**أَوْفُوا بِالْعُقُودِ**» قرار بگیرد. شارع در شریعت دو راه را طی کرده: یک راه همین راه «**أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ**» **أَوْفُوا بِالْعُقُودِ** **تِجَارَةٌ عَنْ تِراَضٍ** است؛ یک راه هم راه سلبی است که شارع طی کرده؛ شارع می‌فرماید معامله باید اکل مال به باطل نباشد. این یکی از معیارهایی است که شارع بیان کرده است؛ پس معامله نباید ربوی باشد؛ نباید غرری باشد. پس می‌توان گفت که اگر معامله‌ای باشد که تحت عنوان سلبیات شرعیه قرار نگیرد، اکل مال به باطل نباشد، ربا و غرر نباشد، این معامله صحیح است؛ هرچند از نظر صناعت اصولی مشمول «**أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ**» نشود.

البته توجه داشته باشید که این بحث در معاملات وجود دارد و در غیر معاملات، نیاز به دلیل تعبّدی شرعی داریم. عرض ما این است که معامله‌ی جدیدی هست مثل معاملات لیزینگی که در زمان ما موجود است، مثلاً می‌گوئیم معامله‌اش صدق بیع نمی‌کند، صدق وکالت نمی‌کند، صدق اجاره و مضاربه نمی‌کند، حال آیا باید دست ما بسته شود یا اینکه بگوئیم باید ببینیم معامله‌ی لیزینگ، اکل مال به باطل هست یا نه؟ ربا هست یا نه؟ غرر هست یا نه؟ اگر در ذهنتان باشد، بزرگان ما در مورد باطل بودن معاملات شرکت‌های هرمی وجه عمده‌ای که فرموده‌اند این است که این معاملات اکل مال به باطل است و این وجه فنی خوبی هم هست. حال، اگر معامله‌ای پیدا کردیم که اکل مال به باطل نبود و ربا نبود - یعنی شارع فرموده: معامله‌ای را قبول دارم که ربا نباشد - غرر و جهالت در آن نبود، صحیح است. به نظر ما اگر در این راه دقت شود، باب وسیع‌تری در معاملات گشوده می‌شود و راه دیگری است برای اینکه انسان بتواند بفهمد معامله‌ای درست است یا نه.

مقدمه سوّم: بررسی معنای ربا

مقدمه دیگر در مورد لفظ ربا است. اینکه ربا از نظر لغوی چه معنایی دارد و آیا بین معنای لغوی و معنای اصطلاحی ربا فرقی هست یا خیر؟

معنای لغوی ربا

بسیاری از لغویین در کتب لغت برای ربا یک معنا ذکر کرده‌اند و آن اینکه ربا یعنی زیاده. برخی دیگر دو سه معنا و بعضی هم معانی دیگری اضافه کردند که مجموعاً ربا در کلمات لغویین دارای شش معناست. در لسان العرب «**رَبَا، يَرْبُو، رَبَوًا و رَبَاءً، أَى: زَادَ و نَمَا**» ربا را به زیاده معنا کرده است؛ «**رَبَا الْمَالُ**» یعنی مالش به سبب ربا زیاد شد. - این بحث را خوب دقت کنید؛ چون علاوه بر اینکه می‌خواهیم فی نفسه ببینیم بین معنای لغوی و معنای اصطلاحی فرقی هست یا نه، بعداً وقتی وارد بحث آیات شریفه شویم، آنجا باید ببینیم آیا ربا همین معنای مطلق لغوی را دارد یا آن که ربا در قرآن در معنای خاصی استعمال شده که بسیاری از اهل سنت این عقیده را دارند که ربای در قرآن در یک معنای خاصی استعمال شده است..

«**الرَّبْوَةُ كُلُّ مَا ارْتَفَعَ مِنَ الْأَرْضِ**» عرب به تپه و جای بلندی در زمین ربوه می‌گوید. «**رَبَا السُّوقُ أَوْ سَبَّ عَلَيْهِ الْمَاءُ فَاَنْتَفَخَ**» سويق یعنی آرد نرم شده؛ پس این عبارت یعنی آب را روی آرد ریختند و آرد باد کرد. باز عرب می‌گوید «**رَبَا الْفَرَسُ رَبَوًا**» شکم اسب باد کرد. عرض کردیم یک «ربا» داریم و یک «ربأً» داریم؛ یعنی یک ربای معتل داریم و یک ربای مهموز داریم و یک «ربب» داریم که در برخی از کتب فکر کردند هر سه به یک معناست، در حالی که بین اینها فرق است. عرب هر سه را در مورد صغیر استعمال می‌کند؛ می‌گوید: «**رَبَّ الصَّغِيرِ**» یعنی تربیت شد؛ «**أَى سَاقٍ إِلَى الْكَمَالِ**»، به کمال سوق پیدا کرد؛ کاری به ازدیاد جسمی‌اش ندارد. «**رَبَا الصَّغِيرِ أَى عَلَا**» یعنی بلند شد. «**رَبَا الصَّغِيرِ أَى انْتَفَخَ و زَادَ**»، یعنی ربا به معنای زیاده استعمال شده و ربأً به معنای علوّ است و رببٌ به معنای تربیت و سوق إلى الكمال است. در مقایسه اللغة می‌گوید ربا یعنی «الزيادة و

النماء و العلو» در حالی که این اشتباه است. تا اینجا سه معنا برای ربا بیان شد.

معنای دیگری که برای آن بیان شده، حفظ کردن مال است؛ همینطور به معنای از بین بردن مال هم آمده است. «رباً المال» یعنی آن مال را از بین برد. به معنای فضل و منت هم آمده است؛ عرب می‌گوید «لِفْلَانٍ عَلَى رِبَاءٍ أَى فَضْلٍ وَ مَنَّةٍ».

آن وقت، بعضی از لغویین گفتند بین ربا - یعنی بدون اینکه اضافه‌ای داشته باشد - و رباء ممدوده و مقصوره فرق است. رباء به معنای فضل و منت آمده و بعضی لغویین هم رباء را به معنای فایده و سود معنا کردند.

صاحب کتاب التحقيق فی کلمات قرآن الکریم فرموده است: معنای اصلی رباء، انتفاخ است؛ یعنی باد کردن و معانی دیگر مثل زیاده، علو، فضل، منت و فایده همه آثار انتفاخ است. ایشان در تحقیقی که در این کلمه دارد می‌فرماید: «إِنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي هَذِهِ الْمَادَّةِ هُوَ الْإِنْتِفَاخُ مَعَ زِيَادَةٍ بِمَعْنَى أَنْ يَنْتَفَخَ شَيْءٌ فِي ذَاتِهِ ثُمَّ يَتَحَصَّلُ لَهُ فَضْلٌ وَ زِيَادَةٌ» بعد می‌گوید: «و هذا المفهوم قد تشابه على اللغويين ففسروها بمعاني ليست من الأصل بل هي من آثاره و لوازمه أو ما يقرب منه كالزيادة المطلقة و الفضل و النماء إلى آخر».

ما در بین لغویین هرچه تفحص کردیم، فقط یک جا در لسان العرب می‌گوید «رَبَّتْ» یعنی «انتفخ»؛ اما لسان العرب در خود ماده‌ی رباء یا مقایس یا صحاح اللغة هیچ کس نمی‌گوید اصل این ماده به معنای انتفاخ است؛ بلکه اصل ربا و رباء به معنای زیاده است، منتها انتفاخ در یک مورد خاص بوده است؛ یعنی فرض کنید در مورد فرس صدق کرده است وگرنه انتفاخ مال یعنی چه؟ غیر از زیاده چیز دیگری معنا ندارد و اصلاً عرب در مورد خود مال، کلمه انتفاخ را استعمال نمی‌کند؛ انتفاخ در مورد موجود زنده یا آنکه در حکم زنده است، استعمال می‌شود. لذا به نظر ما، این تحقیقی که ایشان فرموده، تحقیق درستی نیست.

ربا به معنای زیاده است و عرب به زیاده‌ی مطلق می‌گوید ربا؛ چه زیاده متصل باشد و چه غیر متصل؛ چه زیاده‌ی کم باشد و چه زیاده‌ی فاحش؛ چه زیاده‌ی ذاتی باشد و چه غیر ذاتی.

معنای شرعی ربا

مطلب دیگر این است که آیا ربایی که در قرآن و در سنت حرام شده، به همان معنای لغوی است؟ و اینکه معنای شرعی ربا چیست؟ آیا ربا در شرع معنای خاصی دارد؟ و آیا فقها برای ربا معنای خاصی دارند؟ ما عرض می‌کنیم خیر؛ ربا در اصطلاح شرع معنای دیگری غیر از معنای لغوی ندارد؛ فقط بعضی از شرایط را در باب ربای معاملی و ربای قرضی ذکر کردند.

مرحوم محقق کرکی در جامع المقاصد می‌فرماید: «الربا لغة الزيادة، قال الله تعالى فلا يربوا عند الله؛ در کتاب‌های فقهی ندیدیم که ربا را به انتفاخ معنا کنند؛ همه می‌گویند زیاده است. و شرعاً زیاده أحد العوضين المتماثلين المقدرين بالكيل أو الوزن في عهد صاحب الشرع (صلى الله عليه وآله) إن علم، وإلا فالعادة فلو في بلد...» ربا یک اصطلاح شرعی نیست؛ اینطور نیست که بگوئیم لفظ ربا مثل لفظ صلاة و صوم است؛ صلاة در لغت به معنای دعاست، اما در شرع به معنای عملی است که دارای این هیئات و اذکار مخصوصه است. اما ربا در شرع نیز به همان معنای زیاده است؛ منتها شارع شرایطی را برای آن ذکر کرده است. البته اهل سنت هر کدام از مذاهبشان یک تعریف خاصی برای ربا بیان کردند که این با در نظر گرفتن شرایطی بوده که در همان مذهب برای ربا مطرح می‌شده است. مثلاً حنفیه می‌گویند: ربا یعنی فضل ولو حکمی حال أو عوض بمعيار شرعی مشروط لأحد المتعاقدين في المعاوضة. شافعیه می‌گویند: عقد على عوض مخصوص غير معلوم التماثل في معيار الشرع؛ تمام آنچه که هر مذهبی در شرایط ربا ذکر می‌کند را در تعریف آورده، اما معنایش این نیست که این ربا یک معنای شرعی جدید دارد.

بررسی ربا در قرآن

بحث دیگری که بحث مهمی هم هست، این است که ادعا شده - مخصوصاً اهل سنت این ادعا را کردند - ربایی که در قرآن حرام شده، مراد همان ربای جاهلی است و بین ربای جاهلی و ربای قبل از جاهلیت در قرون گذشته و ربای در اعصار موجود فرق است. یعنی می‌گویند: ربای محرّم، ربای جاهلی است؛ علاوه بر اینکه بین ربای قبل و بعد از ربای جاهلی فرق است. اما اینکه ربای جاهلی چیست؟ ادعا کردند ربای جاهلی فقط در دو مورد است:

یکی اینکه کسی از دیگری طلبی داشت و هنگام حلول أجل [سر رسید]، مدیون قدرت بر پرداخت نداشت، لذا از داین تمديد أجل را تقاضا می‌کرد، او هم می‌گفت اضافه‌ای بده تا من قرضت را یک سال تأخیر ببندازم. این معنا از ربای جاهلی در صفحه 123 از جلد 4 کتاب المنار از زید بن اسلم نقل شده است. ایشان می‌گوید: ربای جاهلی این بود که من صد درهم به کسی قرض می‌دادم، او هم باید صد درهم به من می‌داده، اول قرض، هیچ حرف اضافه‌ای هم زده نمی‌شد؛ مثلاً می‌گفتیم یک سال دیگر این صد درهم را بیار بده. بعد از همان مدت، همان یک سال، دائن دین خودش را مطالبه می‌کرد و مدیون می‌گفت ندارم؛ دائن به مدیون می‌گفت یا دین را بده و یا آن را اضافه کن، یعنی می‌گفت حال که نداری صد درهم را بدهی، یکسال دیگر تمديد می‌کنم و باید دویست درهم بدهی.

مصدق دوم ربای جاهلی همین ربای فاحش، اضعافاً مضاعفه است؛ یعنی دائن یک سود بسیار زیادی را مطالبه کند. در نتیجه می‌خواهند بگویند آنچه که الآن در زمان ما وجود دارد که هنگام قرض دادن و گرفتن، طرفین بر یک درصدی توافق می‌کنند، ربای جاهلی نیست.

برخی از بزرگان اهل سنت گفتند ربای محرّم در قرآن، ربای جاهلی است و شواهد مختصری هم بر آن دارند. سیوطی در الدر المنثور جلد 1 صفحه 367 خطبه معروف پیامبر در حجة الوداع را نقل می‌کند در ذیل آیه 130 سوره آل عمران، ذیل آیه (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ الَّتِي رَزَقْنَاكُمْ مِثْلَ الْبَاطِلِ) و آتَقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ، بیشتر مفسرین اهل سنت نیز ربای جاهلی را ذیل این معنا آوردند. حال، در آن خطبه پیامبر فرمود: «أَلَا إِنَّ رَبًّا مِنْ رَبِّ الْجَاهِلِيَّةِ مَوْضِعُ بِمَامِرٍ فَرَمُوهُ رَبًّا جَاهِلِيَّةٍ بَرْدَاشْتَهْ شَدَّ يَعْنِي حَرَامٌ شَدَّ، لَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ. تعبیر به ربای جاهلیت در اینجا در کلام خود پیامبر آمده است؛ و عرض کردم آیه شریفه (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ الَّتِي رَزَقْنَاكُمْ مِثْلَ الْبَاطِلِ) و آتَقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ را هم بر ربای جاهلیت تطبیق کردند و بعد می‌گویند: در بقیه آیات قرآن، هر جا ربا آمده، باید بر همین ربای جاهلی حملش کنیم.

پس مدّعا این شد که آنچه حرام است ربای جاهلی است و ربای جاهلی نیز دو مصداق بیشتر ندارد، تمديد مهلت أجل در دین و فاحش بودن سود. از تفاسیر بسیار قدیمی اهل سنت که شاید بشود گفت قدیمی‌ترین تفسیر آنهاست، تفسیر ابن جریر طبری است؛ وی در جامع البیان ذیل آیهی (الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَهُمُ الْبَاطِلِ لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ) ذَلِكِ بَانَهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَاطِلُ مِثْلُ الْبَاطِلِ وَاللَّهُ الْبَاطِلُ وَالْحَرَمُ الْبَاطِلُ وَمِنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأَوْفَى لَيْكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) حدیثی را از مجاهد نقل می‌کند که قال: فی الربا الذی نهی الله عنه آن ربایی که خدا نهی‌اش کرده این است: كانوا فی الجاهلیة یكون للرجل علی الرجل الدین فیقول لك كذا و كذا و تؤخر عني فیؤخر عنه، مردی از دیگری دینی را طلب داشت که مدیون می‌گفت یک سال دیگر به من مهلت بده من به تو اضافه می‌دهم.

یا در صفحه 71 از جلد 2 الدر المنثور از سعید بن جبیر شبیه همین مطلب نقل شده است که می‌گفت: زمانی که دین فرا می‌رسد که دائن بیاید بگیرد، مدیون می‌گوید: «أُخِّرْ عَنِّي وَ أَزِيدْكَ» یک مقدار تأخیر ببنداز، من به تو اضافه می‌دهم، فیفعلان ذلک، فذلک الربا اضعافاً مضاعفة. حتی علمای اهل سنت می‌گویند این تعبیر برای ربای جاهلی به عنوان علم قرار داده شده

است که دائن می‌آمد می‌گفت: «أ تقضى أم تربي» آیا قرضت را می‌دهی یا اضافه می‌کنی و ربا می‌دهی؟

انشاءالله در جلسه آینده صحّت و سقم این حرف را بررسی می‌کنیم و ما اثبات خواهیم کرد دایره ربای جاهلی به قرائن زیاد تاریخی و تفسیری بیش از اینهاست و مواردش را هم ذکر می‌کنیم.

و صلّى الله على محمد و آله الطاهرين